اخبار

علیرضا قزوه مطرح کرد

لزوم ترجمه و عرضه جهانی آثار انقلابی

مدیر دفتر آفرینش‌های ادبی حوزه هنری با اشاره به تاکید رهبر انقلاب بر ترجمه آثار ادبی کشور برای ترجمه گفت: ضرورت داشت چند دهه بگذرد تا آثار خوب شناسایی و ترجمه شوند. به گزارش مهر، علیرضا قزوه در این‌باره توضیح داد: یکی از موضوعات مهم و محوری مقام معظم رهبری در سخنان دیدار امسال با شعرا، بحث ترجمه بود. نظر اصلی‌شان هم این بود که آثار انقلابی به دیگر زبان‌ها ترجمه شوند؛ یعنی آثاری که پیام‌رسان انقلاب اسلامی باشند. وی افزود: مثالی هم که حضرت آقا در آن جلسه مطرح کردند، اشعار مربوط به شیخ زکزاکی بود که اگر به زبان مردم کشورش ترجمه شود، موجب تقویت روحیه‌شان شده و بسیار خشنود می‌شوند. یا مثلا اشعاری که در ایران برای مبارزان و مقاومت فلسطین سروده می‌شود. این شاعر در ادامه گفت: ما هم مجموعه‌ای از اشعار شاعران صد سال اخیر را انتخاب کردیم و به همت دفتر ترجمه حوزه هنری، به زبان‌های اردو، انگلیسی، فرانسوی، ترکی، کردی، عربی و اسپانیایی ترجمه شدند. یکی از آثاری هم که در دست تهیه داریم، ترجمه شعر زنان شاعر ایرانی است که تعدادشان به بیش از ۶۰ نفر می‌رسد. مدیر دفتر آفرینش‌های ادبی حوزه هنری درباره وجود مخاطب این کتاب‌ها در دیگر کشورها گفت: آثار مربوط به کشورمان، در کشورهای دیگر مخاطب دارد. اگر کار خوب به آن سوی مرزها برود، حتما مخاطب خواهد داشت.

■■■

حسین اسرافیلی:

فرهنگ هم مثل اقتصاد پر از آقازاده شده است

حسین اسرافیلی می‌گوید: فرهنگ هم مثل اقتصاد پر از آقازاده شده است و متأسفانه فرهنگ ما متولی دلسوز ندارد. به گزارش ایسنا، اسرافیلی مسؤولان را دلیل فاصله گرفتن شاعران و جوانان از مفهوم‌های مذهبی دانست و گفت: در دوره ما مسؤولان طوری رفتار می‌کنند که جوانان نسبت به باورهای دینی قدری سست شده‌اند. نه‌تنها در شعر بلکه در پوشش هم به نحله‌هایی گرایش پیدا کرده‌اند که از دین، ایمان و باورهای اعتقادی فاصله ایجاد می‌کند. این شاعر در ادامه افزود: گاهی حتی برخی اشعار را می‌خوانیم که به جای باورهای دینی، تنبارگی را رواج می‌دهد. در شعر کلاسیک همیشه شاهد تجلی ایمان بودیم اما در حال حاضر برخی شاعران از این مفاهیم فاصله گرفته‌اند. اسرافیلی افزود: از رایزن‌های فرهنگی تنها ۴ نفر را به من نشان بدهید که افراد فرهنگی بوده‌اند. اما تا دل‌تان بخواهد در میان رایزن‌ها بستگان و وابستگان سیاسیون هستند. فرهنگ هم مثل اقتصاد پر از آقازاده شده است.

■■■

عبدالحمید قدیریان:

اثر هنری مخرب از بمب اتم بدتر است

عبدالحمید قدیریان ضمن بیان نقش اثرگذار حضرت فاطمه زهرا(س) در شب‌های قدر، از رونمایی مجموعه تصاویری با عنوان «زهرای آسمانی» خبر داد و گفت: هنرمند دینی باید به مفاهیم توجه داشته باشد و از ترسیم ظواهر مطلق پرهیز کند. به گزارش تسنیم، عبدالحمید قدیریان، نقاش شاخص هنر انقلاب اسلامی پس از برگزاری نمایشگاهی با عنوان «آسمان حسین» در سال گذشته امسال هم قصد ارائه اثری معنوی دارد. قدیریان درباره نسبت هنر با ارزش‌های انقلاب اسلامی و برخی انحرافات رخ داده از این مسیر عنوان کرد: اینکه شما می‌بینید برخی هنرمندان ما به مفاهیم ضدارزشی گرایش پیدا می‌کنند، به این دلیل است که فضای ایمانی مناسبی برای آنها تدارک دیده نشده و از جهت معرفتی دچار خلأ عظیمی هستند؛ لذا متفکران شیعی باید خیلی زودتر از اینها به هنر ورود می‌کردند و در عرصه‌های مختلف هنری و با ارائه بسته‌ها و محتواهای مناسب معرفتی نقش ایفا می‌کردند و خوراک هنرمندان ما را فراهم می‌کردند. این نقاش متعهد در این‌باره افزود: اگر آن خوراک و طعام، ناپاک باشد، آن هنرمند چنان اثر مخربی خلق خواهد کرد که اثرش به مراتب بسیار بدتر از یک بمب هسته‌ای است، چرا که بمب هسته‌ای اثری مقطعی دارد ولی یک اثر هنری مخرب، قدرت تخریبش زمان‌ها و مکان‌ها را در برمی‌گیرد و این اثر مخرب تا نسل‌ها ادامه دارد.

شاعران شعرهای «موضع‌دار» انقلاب اسلامی-۱

دردهای من، دردهای مردم زمانه است

محمدرضا کردلو: در میان همه شاعران این سرزمین در همه دوره‌ها، شاید کمتر عصری، اهل ادبی دغدغه‌مندتر از شاعران پس از انقلاب داشته باشد. شاعر در دوران بعد از انقلاب و در حالی که برخی پس از تثبیت نظام، به دنبال فروکاستن از ایده‌ها و مواجهه‌های انقلابی‌اند، انقلابی‌تر از همیشه ظاهر می‌شود. در هر ۴ دهه پس از انقلاب اسلامی، شاعرانی، فرزند زمانه خویشتن، می‌زیسته‌اند که نه بی‌طرف بوده‌اند، نه گوشه انزوا گزیده‌اند که هم طرف‌شان مشخص بوده و هم میان مردم حضور داشته‌اند. اشاره اخیر رهبر انقلاب به مساله شعر موضع‌مند، ناظر به تقویت همین عناصر شاعر و جریان شعری است که در سال‌های اخیر نیز به واسطه حضور برخی شاعران جوان، از تکاپو نیفتاده است، به روز است و نسبت به مسائل اجتماعی بی‌تفاوت نیست. رهبر انقلاب در دیدار اخیر با شعرا گفتند: اگر چنانچه ما شعری داشته باشیم که نسبت به مسائل جاری کشور هیچ موضعی نداشته باشد، این شعر به کار نیاز کشور نمی‌آید؛ باید موضع داشته باشد... شعرمان را شعر زنده و جاندار و موضع‌دار قرار بدهیم و آن را منعکس بکنیم، یعنی ترویج کنیم؛ افراد ترویج کنند، صداوسیما ترویج کند، دستگاه‌های دولتی و غیردولتی ترویج کنند. در سیر بازشناسی شعر و سرود موضع‌دار پس از انقلاب اسلامی نام‌های فراوانی وجود دارند که هرکدام به سهم خود، حضوری فعال در حوزه تقویت شعر موضع‌دار داشته‌اند. حمید سبزواری، حبیب‌الله معلمی، سلمان هراتی، قیصر امین‌پور و سیدحسن حسینی از چهره‌های تاثیرگذار شعر موضع‌مند پس از انقلاب هستند که در این گزارش کوتاه از آنها یاد می‌شود.

■ **شاعر سرودهای انقلابی**

حمید سبزواری با بیش از ۸۰۰ سرود و ترانه انقلابی نقش مهمی در پیشبرد اهداف انقلاب داشت. اشعار او بیانیه انقلاب بود. حمید سبزواری با قریحه شعری بالا و رویکردی موضع‌دار همواره در تقویت جریان انقلابی حضور فعال داشت. رهبر انقلاب در دیدار اخیر با شعرا با بیان خاطره‌ای از تاثیر سرودهای ایشان گفتند: خدا رحمت کند شهید مجید حدادعادل را -برادر آقای دکتر حدادعادل خودمان- که در اوایل سال ۶۰ این را به من می‌گفت؛ می‌گفت وقتی در سال ۵۹، سنندج از دست ضدانقلاب آزاد شد- دست ضدانقلاب بود، مسلط بودند؛ نیروهای ما فقط در پادگان محصور و محدود بودند- مردم خوشحال شدند و به خیابان‌ها آمده بودند؛ سنندج قبل از اینکه آزاد بشود، خیابان‌ها محصور بود، تهدید بود، دائم صدای گلوله از آنجا می‌آمد، بعد که ضدانقلاب را از آنجا بیرون کردند، سنندج شد یک شهر عادی. خب! سنندج شهر قشنگ و مطلوبی هم هست؛ آنهایی که دیده‌اند، می‌دانند؛ شهر خواستنی و زیبایی است. ایشان می‌گفت که دیدم یکی از این آبمیوه‌گیری‌ها یک بساط آبمیوه‌گیری کنار خیابان راه‌انداخته؛ این جوان‌ها هم آمدند ایستادند و منتظر نوبتند که او آبمیوه بگیرد و بدهد به اینها. او همین‌طور که هویج را می‌گذارد در ماشین آبمیوه‌گیری و دسته را فشار می‌دهد، این را دارد می‌خواند: «این بانگ آزادی است کز خاوران خیزد»؛ این را تازه حمید گفته بود؛ شاید مثلاً فرض کنید یک ماه بود، ۲ ماه بود یا شاید هم کمتر که این شعر گفته شده بود؛ حالا در سنندج یک نفری دارد آب هویج می‌گیرد، کسی هم به او نگفته بخوان که به او گفته باشند این شعر را بخوان؛ نه، همین‌طور خودش به‌طور طبیعی [می‌خواند]. ببینید، سرود این است؛ یعنی سرود مثل هوای تازه، مثل هوای بهاری نفوذ می‌کند.

■ **با نوای کاروان**

حبیب‌الله معلمی، شاعر تاثیرگذارترین سرودها و نوحه‌های دفاع‌مقدس است. نوحه‌ها و سرودهای مطرح در دوران دفاع‌مقدس که با خلق فضایی سرشار از حماسه و شور، حضور رزمندگان در جبهه‌های حق علیه باطل را به زبان شعر تصویر می‌کرده، نتیجه ذوق شاعری است که خود رزمنده‌ای بود که در کنار رزمندگان در جبهه‌ها یا فرماندهان در قرارگاه‌های عملیاتی و در اوج انفجار و اضطراب با آرامش، دل به توکل و ایمان می‌سپرد و شعر می‌سرود. رهبر انقلاب در دیدار رمضانیه امسال با شاعران با تاکید بر تاثیرگذاری نوحه‌ها با فضای انقلابی از معلمی نام برده و گفتند: «مفاهیم سیاسی آن روز را که در مبارزه مطرح بود، در قالب نوحه منتقل کرده بودند. ما شبیه این را در دوره دفاع‌مقدس داشتیم؛ این نوحه‌هایی که آقای آهنگران خواند - و آن شاعر محترمی که خدا رحمتش کند، آقای معلمی که در اهواز برای ایشان شعر می‌گفت- آنها هم همینجور، اینها هم شعرهایی و نوحه‌هایی بود که آموزش‌دهنده بود. ما باید این کار را جدی دنبال بکنیم». معلمی نوحه‌های جاودانه‌ای چون:

شور حسین(ع) است چه‌ها می‌کند
این لشکر حق عازم کربلاست امشب
سوی دیار عاشقان رو به خدا می‌رویم
بهر آزادی قدس از کربلا باید گذشت
ای لشکر حسینی تا کربلا رسیدن یک یا حسین دیگر
کربلا ای حرم و تربت خونبار حسین(ع) /این همه لشکر آمده عاشق دیدار حسین(ع)

...و صدها نوحه و شعر شنیدنی و خاطره‌انگیز را در کارنامه درخشان ادبی خود دارد.

■ **دردهای مردم زمانه**

قیصر امین‌پور یکی از پیشگامان شعر انقلاب اسلامی پس از تشکیل حوزه هنری است. امین‌پور سروده‌های موضع‌دار، انقلابی و جهتداری پیرامون پایمردی‌ها و مقاومت و انقلاب اسلامی دارد. دلنشین‌ترین اشعار اجتماعی امین‌پور در همین فضای مقاومت و پایداری در قالب‌های نیمایی، رباعی و غزل سروده شده است. می‌خواستم/ شعری برای جنگ بگویم/ دیدم نمی‌شود/ دیگر قلم زبان دلم نیست/ گفتم: سلاح سخن کارساز نیست/ باید سلاح تیزتری برداشت/ باید برای جنگ/ از لوله تفنگ بخوانم با واژه فشنگ.

یا در قالب رباعی:

گفتم که: چرا دشمنت افکند به مرگ؟
گفتا که: چو دوست بود خرسند به مرگ
گفتم که: وصیتی نداری؟ خندید
یعنی که همین بس است: لبخند به مرگ

***

گامی به تولا زده بودم ای کاش
جامی ز می لا زده بودم ای کاش
آن شب که قراولان توفان رفتند
چون موج به دریا زده بودم ای کاش

***

موسیقی شهر بانگ رودارود است
خنیاگری آتش و رقص دود است
بر خاک خرابه‌ها بخوان قصه جنگ
از چشم عروسکی که خون‌آلود است

■ **فرزند مظلوم توام، بدون پاپیون، بدون پیپ**

سلمان هراتی با آنکه در جوانی رهسپار دیار ابدیت شد اما در دوران حضور خود در عرصه شاعری به خوبی به عنوان یک شاعر موضع‌دار آرمانگرا شناختی موقعیت‌شناسانه از جبهه خودی و بیگانه و مفهوم دشمن داشت. در بخشی از شعر «وطن» سلمان هراتی، اینطور می‌خوانیم:

ای ایستاده در چمن آفتابی معلوم/ وطن من!/ ای تواناترین مظلوم/ تو را دوست می‌دارم!/ ای آفتاب شمایل دریا دل/ و مرگ در کنار تو زندگی است/ ای منظومه نفیس غم و لبخند/ ای فروتن نیرومند!/ کی می‌توان از سادگی تو گفت/ و هم/ به دریافت خرمهره «نوبل» نایل آمد/ من فرزند مظلوم توام/ نه پاپیون می‌زنم/ و نه پیپ می‌کشم/ مثل تو ساده/ که هیچ کنفرانس رسمی او را نمی‌پذیرد/ و شعر من/ عربده جانوری نیست/ که از کثرت استعمال «ماری‌جوآنا» / دهان باز کرده باشد/ بلکه زمزمه‌ای است/ که مظلومیت تو مرا آموخته/ تو مظلوم سترگی/ و نه ضعیفه‌ای که/ پیراهنش را دریده باشند/ ای شکیبای شکوهمند چندین تابستان است/ که در خون و آفتاب می‌رقصی/ کجای زمین از تو عاشق‌تر است/ ای چشم‌انداز روشن خدا/ در کجای جهان/ این همه پنجره برای تنفس باز شده است؟

یا در سروده‌ای درباره جبهه می‌نویسد: دلم برای جبهه تنگ شده است/ از یکنواختی دیوارها دلم می‌گیرد/ می‌خواهم بر اوج بلندترین صخره بنشینم/ آن بالا به آسمان نزدیک/ و می‌دانم لحظه‌های تولد باران را/ پیش‌بینی کن...

■ **شاعری که شعرش آرام نگرفت**

سیدحسن حسینی، شاید بی‌محاباترین نقدها را به جریان خمود و عافیت‌طلب یا به اصطلاح روشنفکری کرده باشد. در سکانس کلمات که بخشی از روایات، مقالات و خاطرات اوست می‌خوانیم: «شگفتا! بزدل‌ترین انسان نیز دوست دارد حلاج را تا حوالی میدان اعدام بدرقه کند و برایش در دل هورا بکشد! تا از زمره حق‌طلبان به حساب آید!»

«وقتی که روشنفکر در کوچه‌های شهر پر آشوب/ دور از هیاهوها عرق می‌خورد/ با جانفشانی‌های حزب‌الله / تاریخ آن ملت ورق می‌خورد» سروده اوست در نقد همین جریان. جریانی که او از آنها به کولر در زمستان و بخاری در تابستان هم تعبیر می‌کرد. موضع‌مندی شعر سیدحسن حسینی، موجب شده بود برخی محافل او را طرد کنند اما او برایش مهم نبود، شاعری نبود که به قول خودش، وام بگیرد، شعرش آرام بگیرد!

دیده از نگاه و لب ز گفت‌وگو
بسته‌انداگرچه
باز
بر لب خموش‌شان ترانه است:
اشک را مجال های‌وهوی مده
گوش کن به چشم خود
در مسیر بادهای نوحه‌گر
بی امان به سوی جبهه می‌وزد
پرچم مزارشان
گفت و بغض من شکفت.

نگاه

نازنین، بهاره، تینا، وزارت «بی‌اطلاع» ارشاد و شورای پروانه ساخت

«قصه‌ها»ی تکراری دور زدن قانون

مرتضی اسماعیل‌دوست: قصه ۳ دختر با نام‌های نازنین، بهاره و تینا که درگیر ماجراهایی می‌شوند. هنگامی که خبر رسانه‌ای شدن ساخت فیلم «رادتمند؛ نازنین، بهاره و تینا» رسانه‌ای شد، همین یک جمله برای خلاصه داستان از سوی عوامل فیلم کفایت کرد و این سوال را ایجاد کرد که چه ماجراهایی دامنگیر این دختران بزک‌کرده می‌شود؟! عوامل فیلم و عبدالرضا کاهانی، کارگردانی که متخصص حاشیه‌سازی برای آثارش است، در سکوت کامل خبری فیلم را ساختند و اطلاعات چندانی درباره موضوع و داستان فیلم به بیرون درز نکرد، اگر چه خلاصه داستان فیلم تا حدی حکایت از داستانی هاشور خورده داشت! خلاصه‌ای کوتاه اما غریب: «کجا بریم امشب؟» تهیه‌کننده این فیلم از تحویل نسخه اولیه فیلم در ۸۵ دقیقه به وزارت ارشاد خبر داد و تلاشی که برای اکران فیلم در تابستان دارد. تا اینکه چند روز پیش بود که در هیاهوی خبر اکران قریب‌الوقوع فیلم در برابر هیاهوی رخ داده بابت اصلاحات انجام شده روی فیلم برای مجوز اکران به ضمیمه انتشار پوستر انگلیسی فیلم که به شکلی تحریک‌کننده در پی جذب مخاطب بود(!) به تدریج نشانه‌های دیگری از خلاصه فیلم به بیرون درز کرد، خلاصه‌ای که بهت و حیرت از اجرایی شدن چنین سوژه‌ای در سینمای ایران را موجب شد. داستانی درباره ۳ دختر خیابانی و پدر بی‌غیرتی که آنها را برای میهمانی‌هایی خاص آماده می‌کند! خط سیری قابل تعجب که حتی در بدنه سینمای هالیوود هم به این غلظت ساخته نمی‌شود و داستانی که روی فیلم توقیفی و پرحاشیه «خانه دختر» را هم سفید کرده است. اگر چه چند روز پیش یکی از اعضای شورای صدور پروانه نمایش از عدم ارائه مجوز برای نمایش این فیلم خبر داد و به نوعی فیلم به بایگانی آثار مبتذل سینما پیوست اما اجازه ساخت فیلمی با این مبنا از سوی شورای پروانه ساخت جای پرسشی بسیار باقی گذارد. فیلمی که چنان نگاهی هتاکانه به موضوع دارد که همه تلاش‌های تهیه‌کننده فیلم برای کسب مجوز و عبور از سد ممیزی منجر به خروجی قابل قبولی نشد. چنانکه محمدحسین لطیفی، کارگردان شناخته‌شده سینما و عضو شورای صدور پروانه نمایش در این باره عنوان کرد: «عدم صدور پروانه نمایش برای این فیلم نظر همه اعضای شورای پروانه نمایش است، البته همه در این شورا دوست دارند این اتفاق رخ ندهد و هیچ فردی در این شورا وجود ندارد که علاقه‌مند به توقیف فیلمی باشد و همیشه به دنبال اصلاح هستند ولی درباره فیلم آقای کاهانی جمع نظرات این است که امکان اصلاح برای این فیلم وجود ندارد». وضعیتی حاد که همانند دیگر آثار حاشیه‌ساز و پرحرف و حدیث کاهانی مانند «اسب حیوان نجیبی است» و «استراحت مطلق» با چند دقیقه کوتاه شدن و رعایت موارد اصلاحی قابل حل نبوده است، چرا که اساس داستانی که نویسنده در پی گرفته، دچار مشکل است و درباره ماهیت فیلم «رادتمند؛ نازنین، بهاره و تینا» عضو شورای پروانه نمایش به صراحت می‌گوید: «سوژه فیلم از ابتدا تا پایان مشکل دارد، البته من به عقاید و نوع ساخت فیلم‌ها احترام می‌گذارم ولی اگر کاری از دستم بر می‌آمد به‌عنوان یک هم‌صنف مطمئن باشید دفاع می‌کردم ولی احساس می‌کنم نمی‌توانستم و ابزاری برای دفاع از فیلم «رادتمند؛ نازنین، بهاره و تینا» نداشتم». با این وضعیت حاد فیلمنامه اجراشده توسط عبدالرضا کاهانی و صرف هزینه‌هایی برباد رفته برای ساخت فیلم و فضای پرحاشیه‌ای که در آینده با توجه به جوسازی‌های فیلمساز دامان سینمای ایران را می‌گیرد، پرسش اینجاست که چرا جلوی این ولنگاری رخ داده از نطفه و در زمان مجوز ساخت گرفته نشد؟ و چرا مجوز عبور از یک مرحله مهم تولیدی برای چنین موضوعی داده شد؟ آیا باز هم به دنبال انتقال مسؤولیت از یک گروه به گروهی دیگر بوده‌اند؟ یا شاید این امید را داشته‌اند که طبق آنچه بر فیلم «استراحت مطلق» رفته است، فیلم «رادتمند؛ نازنین، بهاره و تینا» هم می‌تواند با هیاهوی فیلمساز و برگزاری نشست خبری شرایط اکران بیابد؟! اگر چه صحبت‌های پراکنده‌ای از سوی برخی اعضای شورای پروانه ساخت مبنی بر تغییر فیلمنامه اولیه کاهانی انجام شده است اما این فیلمنامه چنان ماهیت مشخص و بی‌ریشه‌ای دارد که فراتر از چند تغییر احتمالی هنگام ساخت است و از پایه به روشنی حکایت از وجود محصولی جنجالی می‌دهد. حالا وضعیت فیلم «رادتمند؛ نازنین، بهاره و تینا» وارد فاز تازه‌ای خواهد شد و باید دید فیلمسازی که براحتی تن به سکوت نمی‌دهد، درباره وضعیت «رادتمند؛ نازنین، بهاره و تینا»ی خود چه عکس‌العملی نشان می‌دهد و آیا دوباره در بر همان پاشنه سابق می‌چرخد؟ چرا که دور زدن قانون و در نهایت کسب مجوز در این دوره مسبوق به سابقه است و فراموش نکردیم چگونه فیلمساز «قصه‌ها» از کنار هم چیدن چند فیلم کوتاه در نهایت به مجوز فیلمی داستانی رسید!

رویدادها

غلامرضا رمضانی، کارگردان سینما:

دولت حاضر به سرمایه‌گذاری برای سینمای کودک نیست

غلامرضا رمضانی گفت: باید اکران فیلم در حوزه سینمای کودک اجرایی و عملیاتی شود سپس نقاط ضعف و قوت آن مورد ارزیابی قرار گیرد. متاسفانه اکران فیلم در این حوزه به دیکته نانوشته تبدیل شده است. به گزارش فارس، غلامرضا رمضانی، کارگردان آثار کودک و نوجوان درباره وضعیت این ژانر سینمایی گفت: متاسفانه دغدغه کودکان و نوجوانان وجود ندارد و برای این گروه سنی هیچ‌گاه دوراندیشی نشده و مقطعی به آن توجه شده است. در همه ادوار این شرایط وجود داشته است. وی ادامه داد: سینمای کودک ماجرایش کاملا متفاوت است؛ این سینما ۲ سال است در محاق بی‌توجهی و بی‌مهری قرار گرفته است. وی با اشاره به توجه شورای راهبردی به سینمای کودک و نوجوان و دغدغه این شورا گفت: نزدیک به ۲ سال است شورای راهبردی قصد دارد برای اکران فیلم کودک اقدام کند، حرف و حدیث و جلسه‌های متعدد بسیار است اما اکران فیلم نیاز به این همه مقدمه‌چینی ندارد. به گفته عزیزان ۵۰ یا ۶۰ فیلم سینمایی حائز شرایط اکران است حال باید این فیلم‌ها اکران شود، دیگر نیازی به جلسه و... نیست. رمضانی افزود: متاسفانه تولید در این حوزه متوقف شده است و دولت هم حاضر نیست سرمایه‌گذاری کند.

■■■

تهیه‌کننده برنامه «شیدایی»:

پیام ما ترویج ازدواج ساده است

تهیه‌کننده برنامه «شیدایی» گفت: پیام برنامه «شیدایی» ترویج ازدواج ساده است و سعی ما ترویج این نوع ازدواج است. به گزارش تسنیم، محمد نبهان، تهیه‌کننده برنامه شیدایی در این‌باره گفت: برنامه شیدایی، برنامه‌ای است که به موضوع اخلاق و ازدواج می‌پردازد. پیامبر(ص) فرمودند: «من آمدم که اخلاق را تکمیل کنم و هیچ چیزی نزد خدا بالاتر از ازدواج نیست». وی افزود: ما آمده‌ایم با بهره‌گیری از این سخنان پیامبر(ص) این موضوع را مطرح کنیم که اگر اخلاق و ازدواج را در جامعه سامان دهیم، جامعه هم سامان می‌یابد. تهیه‌کننده برنامه «شیدایی» در تبیین تفاوت‌های برنامه «شیدایی» با سایر برنامه‌هایی که راجع به ازدواج تهیه شده است، اظهار کرد: تفاوت شیدایی مصداقی بودن آن است، مثلاً ما در قسمتی از این برنامه هنرمندانی را آوردیم که سال‌ها بود ازدواج کرده بودند و موفق بودند، از آنها راجع به زندگی مشترک و کم و کیف آن پرسیدم تا برای جوانانی که ازدواج نکرده‌اند چراغ راه باشند. وی افزود: سعی ما در برنامه شیدایی این است که هرشب یک زوج هنرمند را به برنامه بیاوریم، برخی مواقع هم شده است هنرمندی مجرد را آورده‌ایم و از وی پرسیده‌ایم مجرد بودن خوب است یا ازدواج کردن که تا به حال همه آنها گفته‌اند ازدواج کردن بهتر از مجرد بودن است. از همه طرف در حال ترویج ازدواج ساده هستیم.

■■■

ظاهر متفاوت کامبیز دیرباز در فیلمی با موضوع حوادث ۸۸

در عکس‌های تازه منتشر شده از فیلم «ماه‌گرفتگی» کامبیز دیرباز با ظاهری متفاوت دیده می‌شود. کامبیز دیرباز که سال‌ها قبل برای فیلم پرفروش «اخراجی‌ها یک» ایفاگر نقش مجید سوزوکی بود در این فیلم، نقش متفاوتی را بازی کرده است. به گزارش تسنیم، فیلم «ماه‌گرفتگی»، پروژه تازه سینمای ایران، قصه‌ای را در بستر روزهای پرالتهاب سال ۸۸ روایت می‌کند و این روزها به کارگردانی مسعود اطیابی و تهیه‌کنندگی هادی انبردار آخرین روزهای فیلمبرداری‌اش را در خیابان‌های تهران پشت سر می‌گذارد. کامبیز دیرباز و سارا خوئینی‌ها از جمله بازیگران اصلی این فیلم سینمایی هستند. سازندگان «ماه‌گرفتگی» از اواسط فیلمبرداری برای بازسازی واقعی و طبیعی وقایع سال ۸۸، به خیابان‌های شهر تهران آمدند و همین مساله باعث شد سکوت خبری این فیلم شکسته شود. پیش‌بینی می‌شود نخستین نمایش فیلم سینمایی «ماه‌گرفتگی» در سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر باشد. آخرین ساخته مسعود اطیابی در سینما به ۴ سال پیش و فیلم «خاک و مرجان» بازمی‌گردد. «اخلاقتو خوب کن»، «شرط اول»، «صبح روز هفتم»، «خروس‌جنگی» و «مصائب دوشیزه» دیگر فیلم‌های این کارگردان به حساب می‌آید.